ل در سالمندی

رگ‌های قاتل

ربزرگ‌ها هم گاهی مرتکب قتل می‌شوند، قتل‌هایی که اغلب قربانیان آن از اعضای خانواده‌شان هستند. قاتلان انی در کنترل آن، باعث قتل می‌شود. سالمندان به‌خاطر وضعیت جسمانی‌شان اغلب قربانی جرایم می‌شوند تا ازنشستگی، مرتکب قتل می‌شوند. قتل‌هایی که اغلب فرزند یا همسر قربانی آن هستند. افزایش سن و بیماری س سالمند یکی از دلایل پرخاشگری آنها است. از آنجایی که فرد سالمند زمان کمی را با دیگران می‌گذراند، ممکن اس سرخوردگی پیدا کرده و نیاز به محبت بیشتری در خود می‌بیند. دوست دارد، در کانون توجه باشد و بعد از تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند و به نوعی از کاه برای خود کوه می‌سازند.

الی مرتکب قتل شدند. قتل‌هایی هولناکی که حتی به جسد قربانیان هم رحم نکرده و آن را پس از تکه‌تکه کردن سد، در زندان فوت کرد و همسرش راهی زندان شد. در هفته گذشته هم خبر این‌که دو پیرمرد به دلیل عدم توجه پدر و مادربزرگ‌ها را بررسی و انگیزه قتل‌های آنها را کالبدشکافی کردیم.





رکشی پیرمرد ۸۵ ساله با ماهیتابه

طکریم تماس گرفت و از

ن گفت: من هر روز به پدر در را باز کرد و هنگامی که رف‌های پدرم شک کردم و ان او در آشپزخانه روبه‌رو

جو کردم، مدعی شد که ادرم را به قتل رسانده‌اند. رسانده است.

عا کرد نمی‌داند چه کسی

همسرش را به قتل رسانده است.

کارآگاهان با بررسی دوربین‌های مداربسته ساختمان متوجه شدند پیرمرد نایلون مشکی‌رنگی را به سطل زباله روبه‌روی خانه انداخته است. با پیدا کردن نایلون مشکی، پیراهن‌های خونین پیرمرد کشف شد.

محمود که راهی جز اعتراف پیش رویش نمی‌دید به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: همسرمان همیشه فرزندم را بیشتر از من دوست داشت، او هیچ توجهی به من نداشت و با این‌که نیم قرن عاشقانه با او زندگی کرده بودم، اما هیچ‌وقت حواسش به من نبود. او حتی تمام دارایی‌های‌مان را به‌نام پسرمان کرده بود. امروز باز هم بی‌محلی کرد که من از او خواستم رفتارش را عوض کند. با هم درگیر شده و با ماهی‌تابه‌ای که روی گاز بود، یک ضربه به سرش زدم. همسرم روی زمین افتاد و جانش را از دست داد. من نمی‌خواستم او را به قتل برسانم.

مثله کردن جسد همسر دوم

دی‌ماه سال ۹۷ خانواده زن ۳۰ ساله‌ای با مراجعه به پلیس آگاهی از مفقود شدن دخترشان خبر دادند. آنها در شکایت‌شان مدعی شدند یک هفته است که دخترمان نه به تلفنش جواب می‌دهد و نه حتی اثری از او وجود دارد، دوستانش هم از او خبر ندارند. دخترمان رویا، دو سال قبل با پیرمردی ازدواج کرد اما به‌خاطر اختلافات جدا شدند. حال هم فکر می‌کنیم پیرمرد از او خبر داشته باشد.

با این اظهارات بلافاصله مأموران سراغ مرد سالخورده رفتند و او را دستگیر کردند اما در بازجویی‌ها مدعی شد هیچ اطلاعی از همسر سابقش ندارد. این مرد چند روز پس از آزادی به یکباره خانه‌اش را تخلیه کرد و مخفی شد.

کارآگاهان که احتمال دادند او از همسرش اطلاع داشته باشد و ممکن است جنایتی رخ داده باشد، تحقیقات خود را ادامه دادند و سه سال بعد پیرمرد را دستگیر کردند. با انتقال مرد سالخورده به اداره آگاهی، او تحت بازجویی قرار گرفت اما باز هم مدعی شد هیچ اطلاعی از همسر سابقش ندارد. در ادامه کارآگاهان متوجه شدند پیرمرد ۷۵ ساله خودش را در داخل زندان دار زده اما با تلاش پزشکان زنده مانده است. سرانجام پیرمرد در بازجویی‌ها به قتل همسر دومش اعتراف کرد و گفت: چندی قبل همسرم از من جدا شد اما من راضی به طلاق نبودم به‌همین دلیل وقتی او برای دیدنم آمد از او خواستم باردیگر ازدواج کنیم. رؤیا با خواست من مخالف بود و گفت نمی‌خواهد با من زندگی مشترک داشته باشد. عصبانی شدم و با چاقو او را به قتل رساندم. سپس جسدش را مثله کردم و در اطراف تهران در بیابان رها کردم.

پیرمرد حسود خون به پا کرد

هفتم آذر امسال مردی هراسان با پلیس کرج تماس گرفت و از قتل همسر و فرزندخوانده‌اش خبر داد. دقایقی بعد تیم جنایی مقابل خانه پیرمرد ۸۴ ساله در حوالی میدان شهدا حاضر شدند.

مأموران پس از ورود به آپارتمان طبقه دوم با اجساد خونین پسربچه شش‌ساله و زن میانسال روبه‌رو شدند، درحالی‌که پیرمردی روی مبل نشسته و به اجساد زل زده بود. پیرمرد ۸۴ ساله به نام محسن که موضوع را به پلیس اطلاع داده بود با اعتراف به قتل همسر و فرزندخوانده‌اش گفت: «چند سال قبل همسرم جانش را از دست داد، به‌خاطر این‌که فرزند نداشتم و تنها بودم، تصمیم به ازدواج مجدد گرفتم به‌همین خاطر با زن میانسالی به نام معصومه ازدواج کردم. همیشه حسرت و آرزوی داشتن فرزند را داشتم و به‌خاطر این‌که سن و سالی از من گذشته بود، نمی‌توانستم بچه‌دار شوم و معصومه به من پیشنهاد داد خواهرزاده او را به‌عنوان فرزندخوانده قبول کرده، بزرگ کنیم. من هم چون می‌دیدم با این کار هر دو خوشحال می‌شویم، موافقت کردم. چندی از حضور پسر شش‌ساله در زندگی‌مان نگذشته بود که متوجه شدم تمام توجه همسرم به او است و دیگر هیچ عشقی به من ندارد. همین موضوع باعث اختلاف ما شد تا این‌که همسرم اعلام کرد خواهرزاده‌اش را خیلی بیشتر از من دوست دارد، عصبانی شدم و ساعتی قبل ابتدا به سراغ پسربچه شش‌ساله رفتم و درحالی‌که آنها خواب بودند با چاقو جانش را گرفتم. همسرم متوجه سروصدا شده و از خواب پرید که او را نیز غافلگیر کردم و با چاقو چند ضربه به وی زده، جانش را گرفتم. چند ساعتی خیره به اجساد بودم و بعد موضوع را به پلیس اطلاع دادم.

پیرمرد شکمو زنش را کشت

اواسط مرداد ۹۷ تیم جنایی پایتخت با قتلی عجیب در محله ستارخان روبه‌رو شدند. با حضور تیم جنایی در طبقه اول یک ساختمان سه طبقه در محله ستارخان آنها با جسد زن ۶۹ ساله‌ای روبه‌رو شدند.

تحقیقات اولیه نشان می‌داد پیرمرد ۷۸ ساله همسرش را با ۱۸ ضربه چاقو به قتل رسانده و بعد از عروسش خواسته موضوع را به پلیس اطلاع دهد.

پیرمرد ۷۸ ساله با اعتراف به قتل همسرش گفت: پسرم در طبقه سوم ساختمان من زندگی می‌کند. او و مادرش همیشه به غذا خوردن من گیر می‌دادند و نمی‌گذاشتند غذایم را کامل بخورم. من شکمو هستم و زیاد غذا می‌خورم اما آنها می‌گفتند برای سلامتی‌ام خوب نیست. چندباری با پسر و همسرم دعوایم شد و باز کار خودم را می‌کردم. پیرمرد قاتل مدعی شد امروز مشغول خوردن ناهار بودیم که همسرم باز مدعی شد زرشک پلو با مرغ را کم بخورم اما من عاشق این غذا هستم و به حرفش گوش ندادم. زنم یکباره ظرف غذا را از جلویم برداشت و به آشپزخانه برد. من عصبانی شدم و دیگر نفهمیدم چه می‌کنم. به آشپزخانه رفتم و چاقو را برداشته و چند ضربه به او زدم. وقتی منیر روی زمین افتاد، ترسیدم و موضوع را به عروس و پسرم گفتم اما دیگر همسرم جانش را از دست داده بود.

افراد از تنها ماندن و تنها شدن می‌ترسند. دوست ندارند طرد شوند. حال اگر در این میان موضوعی باعث به هم خوردن این آرامش شود یا بهداشت روانی سالمند آسیب ببیند و خشم و بغض فوران کند، تصمیم‌گیری سخت می‌شود